

یکی بود یکی نبود...

اشتراک در شبکه‌های اجتماعی:

آدرس صفحه: <https://mav>



[1]

اهمیت قصه گویی برای کودکان

الهام قدیگی-کارشناس ارشد روانشناسی بالینی

روزی انیشتین به مادری برخورد که از او راهنمایی می خواست. مادر شکوه می کرد که پسرش در یادگیری علوم چندان موفق نیست. دانشمند بزرگ در جواب گفت: «برایش قصه بگویید». مادر گفت: «ولی آقا او درس علومش خوب نیست». انیشتین توصیه اش را تکرار کرد: «برای او قصه بگویید». قصه و قصه گویی، موضوعی آشنا برای همه انسان ها در همه روزگاران و جوامع است. انسان ها در سفر و حضر، در غم و شادی، در تنهایی و جمع و حتی درگیر و دار جنگ ها و بحران های زندگی با قصه را هم زاد انسان و زمان شکل گیری نخستین قصه ها را روزهای آغازین زندگی انسان در زمین، می دانند.

قصه، سخن یا نوشته ای است از روزگاران قدیم که در آن شخصیت های گوناگونی خیالی یا واقعی، ماجراهایی می آفرینند. قصه ها از روزگاران قدیم برای آموزش، انتقال تجربه ها و تاریخ هر قوم از نسلی به نسل دیگر پدید آمده اند.

قصه ها نقش مهمی در پرورش کودکان دارند زیرا به جای بازگویی صرف واقعیت، با ایجاد رمز و راز و هدایت تخیل کودک، حس کنجکاوی، خود انگیختگی و توانایی احساس کردن را برای کودک به ارمغان می آورند. این قصه ها توانایی درک تمام احساسات بشری مثل عشق، ترس، نفرت، امید و حتی سوگ و جدایی را برای کودک فراهم می آورند. اما این جهان قصه در عین مطرح کردن تمام احساسات بشری، برای کودکان جای امنی است. چرا که همه این ها در دنیای غیر واقعی «یکی بود و یکی نبود» یا «روزی روزگاری» اتفاق می افتد.

رسم زیبای قصه گویی علاوه بر ایجاد و تحکیم رابطه عاطفی با کودک، جزئی از اصول تربیت سنتی در تمام جهان است و فلسفه انجام آن، آماده ساختن کودک برای زندگی با رمز و راز و تاثیر گذاشتن بر ناخودآگاه اوست. رمزهای قصه در ضمیر ناخودآگاه کودک جایگزین می شوند تا در زمان لازم، ذهن و تخیل کودک را برای مواجهه با واقعیت آماده کنند و در عین حال او را در برابر اضطراب، ترس ها و ناشناخته های معمول و در زندگی، مصون نگه دارند. همچنین در قصه ها بچه ها برای نخستین

بار با مفاهیم عدالت و بی عدالتی آشنا می شوند و مرحله آغازین آموزش اندیشه ها برای آنان صورت می گیرد.

قصه گویی چارچوبی برای خود پدید آیی و نیز آموزش و بالا بردن خودفهمی و کارایی روابط بین فردی فراهم می آورد و به عنوان یک ابزار یادگیری توانایی برقراری رابطه بین افکار و احساسات را به شیوه ای قابل فهم افزایش می دهد و می تواند به طور موفقیت آمیزی در ارائه دانش، خرد و مهارت به کودکان مفید باشد.

قصه گویی در بالا بردن سطح خلاقیت کودکان نیز بسیار موثر است. تعریف کردن اصل یک افسانه برای کودک، از نسخه هالیوودی آن آموزشی تر است. وقتی داستان از طریق فیلم یا کارتون تعریف می شود، بچه ها تقریباً هیچ امکانی برای به کارگیری تخیل خود ندارند. کارتون تخیل بچه ها را به کار نمی اندازد، زیرا رنگ، اندازه، شکل و صدا از قبل برایشان مشخص شده...». اما وقتی گفته شود «آنها در قلعه ای زیبا زندگی می کردند».

رمزهای قصه در ضمیر ناخودآگاه کودک جایگزین می شوند تا در زمان لازم، ذهن و تخیل کودک را برای مواجهه با واقعیت آماده کنند و در عین حال او را در برابر اضطراب، ترس ها و ناشناخته های معمول در زندگی مصون نگه دارند.

هر کودک تجربه ای متفاوت و خاص از این جمله خواهد داشت و در خیال خود قلعه ای متفاوت خواهد ساخت. در واقع فیلم، تصاویر را در چشم انسان می نشانند، ولی قصه تصویر را به ذهن وارد می کند!

زمانی که کودک به داستان گوش فرا می دهد خود را در نقش قهرمان داستان جا می زند و پا به پای وی به تجربه اندوزی می رود. این شیوه عمل به مخاطب خود کمک می کند تا بر گذشته و ناکامی های قبلی فایق آید و آینده خویش را پر معناتر بیابد. فرد یعنی همان کودک در طرح و برنامه ریزی زندگی خود سهیم شده و دیگر قربانی پیشامدها باقی نمی ماند.

لازم نیست کودکان تلاش کنند تا از قصه استنتاجی داشته باشند. آنها به وسیله قدرت تخیل خود به راحتی وارد آن می شوند. این قدرت تخیل باعث تغییر و درمان می شود.

افسانه ها و قصه ها به کودک نشان می دهد که چگونه می تواند آروزهای ویران گر خود را در وجود یک شخصیت مجسم سازد و یا از شخصیت دیگر، به رضایت خاطر برسد و اصولاً چگونه با دغدغه های مخرب خود، سازگاری پیدا کند و آنها را پالایش کند. وقتی آروزهای کودک در وجود فرشته ای مهربان تجسم یافت، و انگیزه های ویران گریش در وجود گرگی درنده و توقعات وجدانش در وجود پیری خردمند مجسم شد، آن زمان کودک سرانجام قادر خواهد بود که گرایش های متضاد خود را منظم سازد و از این هنگام است که شخصیت او به تدریج شکل می گیرد و در آینده، در برخورد با مسائل و مشکلات کمتر دچار اضطراب، از خود بیگانگی و آشفتگی درونی و مهمتر از همه کمتر دچار احساس تناقض می شود. به لحاظ تاثیرات فیزیکی تمثیلات قصه ها با تمرکز بر کارکردهای مختلف نیمکره چپ و راست مغز عمل می کنند. چون انسان ها مشکلات شان را با استفاده از نیم کره راست بیان می کنند، پس تمثیل شاید وسیله ای برای ارتباط مستقیم با نیمکره راست به زبان خودش باشد.

در نهایت با توجه با تاثیراتی که قصه و قصه گویی در روان و حتی شخصیت کودکان ایجاد می کند می توان به ارزش آن پی برده و به صورت جدی و دقیق از این روش برای آموزش و حل مشکلات کودکان بهره جست.

مجله کودک شماره 65

برچسب‌ها:
[قصه، کودک](#) [2]

نشانی منبع: <https://mava.iki.ac.ir/node/814>

پیوندها

https://mava.iki.ac.ir/files/images/articles/636985304969415230_lg.jpg [2] [1]

<https://mava.iki.ac.ir/tag/%D9%82%D8%B5%D9%87%D8%8C-%DA%A9%D9%88%D8%AF%DA%A9>